

# جغرافیای تاریخی ارآن



عدالت عزت پور  
کارشناس ارشد  
تاریخ ایران دوره اسلامی



## چکیده

سرزمین اَرّان، در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، دچار تغییرات جغرافیایی بسیاری گردیده است، که تعیین دقیق محدوده جغرافیایی این سرزمین را با مشکلات فراوانی مواجه می‌سازد.

سرزمین آلبانیای قفقاز یا اَرّان، در بخش جنوبی قفقاز که حدود آن در دوره های مختلف زمانی، تا اندازه ای متغیر بوده است میان دو رود کُر و ارس قرار داشت و اراضی شروان، قَبَلَه، شَکّی و مغان را در بر می گرفت.

در این تحقیق، برای روشن شدن محدوده جغرافیایی این سرزمین، ابتدا به منابع یونانی، رومی، ارمنی و سپس به منابع جغرافیایی اسلامی و عربی و همچنین به تحقیقات جدید، پرداخته می شود.

**کلید واژه ها:** اَرّان، جغرافیایی تاریخی، منابع یونانی و رومی و ارمنی، منابع اسلامی، تحقیقات جدید.

منطقه قفقاز، به عنوان یک منطقه استراتژیک، همواره در طول تاریخ، تحت تأثیر حوادث مختلفی قرار گرفته است. این منطقه علاوه بر اهمیت استراتژیک بسیار، دارای هویت فرهنگی و تمدن کهن نیز می باشد و سرزمین آلبانیای قفقاز یا اران، در بخش جنوبی قفقاز که حدود آن در دوره های مختلف زمانی، تا اندازه ای متغیر بوده است میان دو رود کر و ارس قرار داشت و اراضی شروان، قبله، شگی و مغان را در بر می گرفت.

## اران در منابع یونانی و رومی و ارمنی

مآخذ یونانی و رومی، از سده نخست پیش از میلاد تا سده سوم میلادی آگاهی و اطلاعات جالب و درخور توجهی درباره آلبانیای قفقاز و ساکنان آن ارائه می دهند و شامل مطالب تاریخی و جغرافیایی می باشند. با لشکرکشی پومپه سردار رومی به شرق، مورخان و جغرافی نگاران یونان و روم درباره سرزمین هایی که سپاهیان رومی به آنها دست یافته بودند، آگاهی های وسیعی کسب کردند. از جمله این سرزمین ها که لشکریان پومپه بدانجا رفتند، آلبانیای قفقاز بود. لشکریان پومپه با گذر از اراضی آن سرزمین به کرانه های دریای خزر رسیده و از آنجا تا جنوب رود ارس پیش رفتند، اما در مواجهه با سپاهیان پارتی ناگزیر به بازگشت شدند. پلوتارخ، از دست یابی لژیونرهای رومی به کرانه های دریای خزر از طریق آلبانیا خبر داده است. همچنین بنا به نوشته استرابون، تئوفانس میلیتی در جریان لشکرکشی رومیان به آلبانیا حضور داشت که پس از این لشکرکشی، رومیان در آسیای صغیر مستقر شدند و با دولت های ایران، آلبانیا، ایبری (گرجستان) و ارمنستان رابطه برقرار کردند و در سال ۳۴ پیش از میلاد بود که یکی از سرداران مارک آنتونی به آلبانیا راه یافت (عنایت الله رضا، ۱۳۸۶: ۹۱).

بنا به نوشته مؤلفان این دوره، آلبانیا سرزمینی بود در شرق قفقاز که از جنوب با ارمنستان، از شمال با سرزمین سرمت ها، از غرب با ایبری هم مرز بوده و در شرق آن، دریای خزر قرار داشته است. آنچه که از نوشته های مؤلفان باستان می توان به آن دست یافت این است، که رود کر (کورا) مرز میان آلبانیا و ارمنستان بوده است (همان، ص ۹۱-۹۲).

استرابون، جغرافی نگار مشهور، که نزدیک به دو هزار سال پیش به هنگام فرمانروایی پارت های زیست، درباره محدوده آلبانیا چنین می نویسد: «آلبانیا سرزمینی است که از جنوب رشته کوه های قفقاز تا رود کر

و از دریای خزر تا رود آلازن<sup>۱</sup> امتداد دارد و از جنوب به سرزمین ماد اتروپاتن محدود می‌شود. «عنایت الله رضا، ۱۳۷۲، ۴۵) استرابون، همچنین در شرح مربوط به رود کورا، به مرز آلبانیا و ارمنستان چنین اشاره‌ای دارد: «رود کورا از ارمنستان سرچشمه می‌گیرد و به دشت مذکور [دشت میان کوه‌های قفقاز] می‌رسد و رود آراگوس و دیگر رودهایی را که از کوه‌های قفقاز سرازیر می‌شوند، به خود ملحق می‌سازد و از آلبانیا می‌گذرد. این رود پرآب، منطقه فاصل آلبانیا و ارمنیا (ارمنستان) است... که می‌رود تا به دریای کاسپی [خزر] بریزد» (عنایت الله رضا، ۱۳۸۶: ۹۲).

دیون کاسیون نیز ضمن اشاره به لشکر کشی پومپه در قفقاز می‌نویسد: «او «پومپه» زمستان را در آنائیتیدا» Anaitida» و کنار رود کورنا (کورا) گذراند و



سپاه خود را به سه بخش تقسیم کرد. وی از تیگران (شاه ارمنستان) انواع بسیار (سلاح؟) و پول گرفت، ولی نتوانست زمستان را با آرامش سپری کند، زیرا اورویز (Oroyz)، شاه آلبان‌ها که بالاتر از رود کورنا می‌زیست با او پیکار کرد» (همان، ص ۹۳). آنچه که از نوشته‌های این مؤلف می‌توان به آن دست یافت اینکه، مقرر شاه آلبان‌ها را بالاتر از رود کُر عنوان کرده است و چنین بر می‌آید که رود کُر، مرز جنوبی آلبانیا و ارمنستان بوده است.

منابع یونانی و رومی عهد باستان، مرز شمالی آلبانیا را چنین یاد می‌کنند، که از کوه‌های قفقاز می‌گذشت و این کوه‌ها، آلبانیا را از دشت‌های شمال قفقاز و قبایل کوچنده آن جدا می‌کرد. استرابون، درباره مرز شمال آلبانیا ضمن بحث پیرامون کوه‌های قفقاز می‌نویسد: که این کوه‌ها «در جهت جنوب، آلبانیا و ایبریا را از یکدیگر جدا می‌کند و در سمت شمال آن، دشت سرمت‌ها واقع شده است.» (همان، ص ۹۴).

مؤلفان باستان، در مورد اینکه آلبانیا در غرب، با ایبری (گرجستان) هم مرز بود اتفاق نظر داشتند. همچنین شرق آلبانیا که به دریای خزر منتهی می‌شد، نکته‌ای است که جمله مؤلفان عهد باستان؛ پاتروکلس، اریستوبولیس، اراتوستن، استرابون، پلینیوس ارشد، تاتیستوس، پلوتارخ، بطلمیوس و دیگران بدان اشاره کرده اند (همانجا).

### شرق آلبانیا

که به دریای خزر

منتهی می‌شد، نکته‌ای است

که جمله مؤلفان عهد باستان؛

پاتروکلس، اریستوبولیس،

اراتوستن، استرابون،

پلینیوس ارشد، تاتیستوس،

پلوتارخ، بطلمیوس

و دیگران بدان اشاره

کرده اند

از نوشته های مؤلفان یونان و روم باستان چنین برمی آید که سرزمین آلبانیا در روزگار باستان، از جنوب به کرانه های رود کورا و گاه رود ارس، از غرب به رود آلازنی، از شمال به کوه های قفقاز از منطقه مسیر علیای رود آلازنی تا قلّه گوتون و از شرق به دریای خزر تا منطقه دربند منتهی می شده است (همانجا). در سال های ۴۰۵-۴۰۶ م با پیدایش نوشته هایی به خط و کتابت ارمنی، مآخذی پیرامون تاریخ و جغرافیای ارمنستان در ارتباط با ایران و سرزمین های همجوار، از جمله آلبانیا به وجود آمد که در آثار مؤلفانی چون؛ آگاثانگوس (Agathangelos)، فائوستوس بیزانسی، لازار پاربتسی یا فاربی، موسی خورنی و دیگران منعکس شده است. نوشته این مؤلفان درباره محدوده آلبانیای قفقاز، به تقریب، مؤید آثار یونانی و رومی در ادوار کهن تر تاریخ است (همان، ص ۹۴-۹۵).



### سرزمین آلبانیا

در روزگار باستان،

از جنوب به کرانه های رود

کورا و گاه رود ارس،

از غرب به رود آلازنی،

از شمال به کوه های قفقاز

از منطقه

مسیر علیای رود آلازنی تا قلّه

گوتون و از شرق

به دریای خزر تا منطقه دربند

منتهی می شده است

در متن جغرافیایی ارمنی که به موسی خورنی

منسوب است و یوزف مارکوارت آن را همراه با ترجمه

آورده است، موسی خورنی، ایران را به چهار ناحیه به

صورت زیر تقسیم کرده است:

۱. کوست خوربران؛ یعنی ناحیه غرب، که دارای نه

استان است.

۲. کوست نیمروج (نیمروز)؛ یعنی ناحیه جنوب، با

نوزده استان.

۳. کوست خراسان؛ یعنی ناحیه شرق، که دارای بیست

و شش استان است.

۴. کوست کپکوه (قاف کوه)؛ که در نواحی کوه های قفقاز است و دارای سیزده استان است بدین

ترتیب: اتروپاتکان، آری، آرمن، گلان و شنچان، ورجان (گرجان= گرجستان)، زن (آلوانک= آلبانیا)،

بلسکان، سیسکان، دلمونک، دنباوند، تپرستان، زون (رویان)، امل (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۹).

موسی خورنی همچنین، در کتاب تاریخ ارمنستان که از سه بخش تشکیل یافته است، آلبانیا

را دیار بزرگ و مشهور و کثیرالنفوسی در کرانه رود کورا دانسته است و آن را دشت «آقوان» و

«آغوان» (آران) نامیده است (موسی خورنی، ۱۹۸۴: ۹۶). موسی کلان کاتوانسی نیز که در سده

دهم میلادی می زیست، آگاهی های جالبی در پیرامون جنگ های ایران و روم و حمله خزران به

قفقاز ارائه کرده است. وی ضمن بحث پیرامون آلبانیای قفقاز، حدود آن را از ایبری تا دروازه هون ها (دربند قفقاز) و رود ارس نوشته است (عنایت الله رضا، ۱۳۷۲: ۴۶).

## اَران در منابع اسلامی

پیرامون محدوده جغرافیایی آلبانیای قفقاز (اَران)، مدارک و گزارش های متعددی از مؤلفان و جغرافی-نگاران اسلامی ایرانی و عرب باقی مانده است که بدان ها نیز اشاره می گردد:

احمدبن واضح یعقوبی که پدرش از موالی منصور، خلیفه عباسی بود و در عهد او حکومت ارمنستان و آذربایجان را داشت، ارمنستان را به سه بخش

تقسیم کرده و نوشته است: «بخش اول مشتمل است

بر قالیقلا و خلاط و شمشاط و آنچه در میان این ها

است. بخش دوم بر خزران (جرزان) و تغلیس و شهر باب

اللان و آنچه میان این ها است. بخش سوم مشتمل است

بر بردعه، که شهر ولایت اَران است و بیلقان و

دربند» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۴۵).

ابن خردادبه که دبیر ایالت ماد بود و به سال سیصد

هجری در گذشته است ارمنستان (ارمینیه) را به چهار

بخش تقسیم کرده و اَران را بخشی از ارمینیه اول نوشته

است: «ارمینیه اولی، السیسجان و اَران و تغلیس و بردعه و

البیلقان و قبله و شروان» (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۲۲) وی

در ادامه می نویسد: «نواحی اَران و جرزان و سیسجان در سرزمین خزر قرار دارد و نواحی دبیل و نشوی

و سراج و بغروند و خلاط و باجنیس در سرزمین روم واقع است. پارسیان این نواحی را تا سرزمین

شروان که صخره موسی و چشمه حیوان در آن است فتح کردند» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۰۰).

ابن فقیه نیز در کتاب البلدان، همانند ابن خردادبه، ارمنستان را چهار بخش کرده و آن بخش ها

را «ارمینیه اول و دوم و سوم و چهارم» (همدانی، ۱۳۴۹: ۱۳۰) نامیده است. وی اَران را جزء بخش

اول ارمینیه دانسته و می نویسد: «اَران نخستین ملک ارمینیه است و در آن، چهار هزار دهکده

است و بیشتر آنها دهکده های صاحب السریر است.» (همان، ص ۱۳۴) ابن فقیه، بردعه، بیلقان،

## موسی کالان کاتواسی نیز

که در سده دهم

میلادی می زیست

آگاهی های جالبی

در پیرامون جنگ های

ایران و روم

و حمله خزران

به قفقاز ارائه

کرده است.

قبیله، شیروان، شایران، شکی، شمکور (شامخور) و بلاسجان را از شهرهای اَرّان نام می‌برد(همان، ص ۱۲۹-۱۳۰).

ابن سربایون (سهراب) که در سدهٔ چهارم هجری می زیسته است به طور مشخص و واضح از سرزمین اَرّان نام نبرده است که بتوان به حدود این سرزمین پی برد. ولی در شناسایی رودها، رود گر را از رودهای ارمنستان داخلی و رود ارس را از رودهای ارمنستان خارجی نوشته است(ابن سربایون، ۱۳۷۶: ۲۳۰).

ابن رُسته، در ذکر ایرانشهر می نویسد: «ایرانشهر استان های معینی را شامل است که آنها



خود، هر کدام دارای تعدادی خوره می باشند. از جملهٔ

این استان هاست: بلاد استان خراسان، سجستان، کرمان،

فارس، اهواز، جَبَل (جبال)، آذربایجان، ارمنیه، موصل،

جزیره، شام و سورستان»(ابن رُسته، ۱۳۶۵: ۱۲۱). ابن

رُسته، ارمنیه را از استان های ایرانشهر به حساب آورده

و اَرّان را جزء ارمنیه دانسته است و می نویسد: «خوره

های ارمنیه به قرار زیر است: اَرّان، جُرزان، نَشَوی، خلاط،

دبیل، سراج، صغدبیل، باجنیس، ارجیش، سیسجان و

شهر باب الابواب»(همان، ص ۱۲۲)

**ابوریحان بیرونی،  
برذعه را از شهرهای اَرّان  
به حساب آورده است  
و اَرّان و شهرهای بیلقان،  
اخلاط، باب الابواب، ارجیش،  
شروان و باکورا  
از شهرهای ارمنیه  
نوشته است**

ابوریحان بیرونی، برذعه را از شهرهای اَرّان به حساب

آورده است و اَرّان و شهرهای بیلقان، اخلاط، باب الابواب،

ارجیش، سروان و باکو را از شهرهای ارمنیه نوشته است(بیرونی، بی تا: ۴۷). وی تمام این نواحی را

تا ورثان، بخشی از ارمنستان دانسته و ورثان(همانجا)، دبیل و نشوی (نخجوان) را از توابع آذربایجان

نوشته است(همان، ص ۳۵) و سرزمین صاحب السریر را نیز جزئی از سرزمین خزرها یاد کرده

است(همان، ص ۴۷).

مؤلف کتاب حدود العالم نیز در بخش «سخن اندر ناحیت آذربادگان و ناحیت ارمنیه و اَرّان

و شهرستان های ایشان» می نویسد: «سه ناحیت است به یکدیگر پیوسته و سوادهای ایشان به

یکدیگر اندر شده و مشرق این ناحیت حدود گیلان است و جنوب وی حدود عراق است و جزیره،

و مغرب وی حدود رومست و سریر، و شمال وی سریرست و خزران.»(حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۸)



جیهانی هم در کتاب اشکال العالم، که سرزمین‌ها را به بیست اقلیم تقسیم کرده است در اقلیم سیزدهم، از آذربایجان، ارمنیه و آران تحت عنوان یک اقلیم یاد می‌کند. اما فقط حدود این سرزمین را بیان می‌کند: «از جانب مشرق، جبال است و دیار دیالمه و شرق دریای خزر، و از جانب مغرب، حدود آن از ارمن و الان و چیزی از حدود جزیره، از جانب شمال بعضی الان.» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۹)

اصطخری، که از جهانگردان سده‌های سوم و چهارم هجری بود و به سال ۳۴۶ هجری در گذشته است همچون جیهانی، ارمنیه و آران و آذربایجان را تحت یک اقلیم آورده و می‌نویسد: «در آران هیچ شهری بزرگتر از برذعه و باب الابواب و تفلیس



نیست و اما بیلقان و ورثان و برزنج و شماخیه و ابخاز و شابران و قبله و شکی و جنزه و شمکور و خنان شهرهای کوچک اند و در بزرگی به یکدیگر نزدیک اند و تمامت، با خصب و نعمت و آسایش و راحت و نرخ‌های ارزان اند.» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۹۲)

ابن حوقل نیز در کتاب صورة الارض، ارمنیه و آران و آذربایجان را با هم یاد کرده و می‌نویسد: «من اینها را یک اقلیم برشمردم زیرا تا آنجا که من دیده‌ام در تحت حکومت یک تن بوده است.» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۱) وی که مدتی از سال‌های سده چهارم هجری را در این

نواحی به سیر و سیاحت مشغول بوده است همچنین می‌نویسد: «این اقلیم محدود است از طرف مشرق به جبال و دیلم و غرب دریای خزر، و از طرف مغرب به حدود ارمن و اللان و اندکی از حدود جزیره، و از طرف شمال به اللان و جبال قیق، و از طرف جنوب به حدود عراق و اندکی از حدود جزیره.» (همانجا) ابن حوقل، ارمنیه را به دو بخش ارمنیه داخلی و خارجی تقسیم کرده و در ذکر شهرهای آران، تقریباً همان نظر اصطخری را ارائه کرده است (همانجا).

ابوعبدالله بشاری مقدسی که پس از ابن حوقل، کتاب خود را در نیمه سده چهارم هجری نگاشته است، همانند ابن حوقل، ارمنیه و آران و آذربایجان را یکجا نام برده است. وی می‌نویسد: «و قد جعلنا هذا الاقلیم ثلاث کور اولها من قبل البحر یط الران ثم ارمنیه ثم آذربيجان.» (مقدسی،

**ابوعبدالله بشاری مقدسی  
که پس از ابن حوقل،  
کتاب خود را در نیمه  
سده چهارم هجری  
نگاشته است،  
همانند ابن حوقل،  
ارمنیه و آران و  
آذربایجان را یکجا  
نام برده است**



۲۰۰۳: ۳۱۴) ولی از کل این سرزمین، با اسم «رحاب» یاد کرده است. وی در نامیدن این سرزمین‌ها به اسم رحاب می نویسد: «چون این سرزمین بزرگ و زیبا، پرمیوه و انگور بود شهرهایش مانند موقان، خلاط و تبریز، همانند عراق دارای نرخ ارزان، درختان سردرهم کشیده، نهرهای روان، کوه‌های پر عسل، دشت‌های آبادان، دمن‌های پر از گوسفند می بود، من برایش نامی نیافتم که همه خوره‌هایش را در بر گیرد پس آن را رحاب نامیدم.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۵۳) مقدسی در ذکر آران می نویسد: «آران نزدیک یک سوم این سرزمین (رحاب) می باشد که همچون جزیره ای در میان دریاچه و رود ارس و رود نهرالملک (کور) آن را از درازا می شکافد. قصبه آن برذعه است، از



### آران، با فتحه و تشدید راء

نامی عجمی است،

دارای سرزمینی فراخ

و شهرهای بسیار که

از جمله آنها

جنزه است

و این همان است که مردم،

آن را گنجه گویند

و برذعه و شمکور و بیلقان

شهرهایش تغلیس، قلعه، خان، شمکور، جنزه، بردیج،

شمارخیه، شروان، باکوه، شاپران، باب‌الابواب، أبخاز، قَبَلَه،

شکی، ملازگرد و تَبلا می باشد» (همان، ص ۵۵۴-۵۵۵).

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان، که در سده

هفتم هجری نوشته شده است، پیرامون آران چنین نوشته

است: «آران، با فتحه و تشدید راء نامی عجمی است، دارای

سرزمینی فراخ و شهرهای بسیار که از جمله آنها جنزه

است و این همان است که مردم، آن را گنجه گویند و

برذعه و شمکور و بیلقان. همچنین میان آذربایجان و آران،

رودی است که آن را الرس (ارس) گویند. آنچه در مغرب و

شمال این رود نهاده است از آران و آنچه در سوی مشرق

قرار گرفته است از آذربایجان است.» (یاقوت حموی، ۱۹۵۵: ۱۳۶)

ابوالفداء که به سال ۷۳۲ هجری در گذشته، در کتاب تقویم البلدان، در مورد آران همان نظر و

نوشته ابن واضح یعقوبی را آورده است که پیشتر از این ذکر گردید (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۴۴۳).

امین احمد رازی نیز، حدود آران را ارس، شروان، دریای خزر و آذربایجان نوشته

است (امین احمد رازی، ۱۳۴۰: ۲۹۸).

حمدالله مستوفی نیز که در سده هشتم هجری می زیسته، در باب چهارم کتاب نزهة القلوب،

از کنار رود ارس تا رود گر (بین النهرین) را ولایت آران دانسته و از کنار رود کر تا دربند باب الابواب

را شروان خوانده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۹۱-۹۲).

ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی، از عالمان مصری که در قرن هشتم و نهم هجری می زیست در کتاب صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ایران را به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم می کند (جغرافیای تاریخی ایران، ۱۳۸۴: ۳۰). وی قسمت جنوبی را مشتمل بر شش اقلیم می داند و قسمت شمالی را بر دوازده اقلیم تقسیم می کند (همان، ص ۳۱ و ۶۷). قلقشندی، سرزمین اَران را دارای دو مرکز بردعه و تغلیس می داند و این سرزمین را جزء اقلیم سوم از بخش شمالی ایران ذکر می کند (همان، ص ۷۴). با توجه به آنچه که ارائه گردید، تقریباً نوشته های مؤلفان و جغرافی نگاران اسلامی بررسی و با هم مقایسه گردید. با توجه به گزارش های دیگری که به دلیل طولانی شدن بحث در اینجا آورده نشده است، نتیجه به دست آمده به شرح زیر می باشد، که با نگاه اجمالی به نوشته های مؤلفان و جغرافی نگاران اسلامی، آنها را براساس تلقی شان از محدوده اَران می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

**اصطخری، جیهانی، ابن حوقل، مؤلف ناشناخته حدود العالم، مقدسی، ادریسی (قرن ششم هجری)، قزوینی، ابوالفداء، حمدالله مستوفی، قلقشندی و حافظ ابرو چنین نظری دارند و اَران را مستقل از ارمینیه می دانند**

دسته اول: این دسته، شامل منابعی که اَران را به عنوان بخشی از ارمینیه دانسته اند و بخشی از این منطقه به شمار آورده اند. ابن خردادبه، قدامه بن جعفر، یعقوبی، ابن فقیه، ابن سراجیون، ابن رسته، ابوریحان بیرونی و یاقوت حموی در این دسته قرار دارند. با توجه به اینکه، یاقوت حموی جغرافی نگار قرن هفتم هجری را از این دسته جدا کنیم، این نظر را می توان به مؤلفان و جغرافی نگاران سده سوم هجری منتسب کرد. البته این گزارش ها نیز با هم اختلاف دارند چنانکه، برخی از آنها، ارمینیه را به چهار بخش و برخی دیگر، به سه بخش تقسیم کرده اند و حتی برخی از آنها براساس معیار اقلیم از شهرهای آن یاد کرده اند. ولی با این وجود، تمام آنها اَران را جزء ارمینیه به شمار آورده اند. دسته دوم: این دسته، اَران را از محدوده ارمینیه جدا دانسته و به طور جداگانه درباره آن بحث کرده اند. اصطخری، جیهانی، ابن حوقل، مؤلف ناشناخته حدود العالم، مقدسی، ادریسی (قرن ششم هجری)، قزوینی، ابوالفداء، حمدالله مستوفی، قلقشندی و حافظ ابرو چنین نظری دارند و اَران را مستقل از ارمینیه دانسته و به صورت «ارمینیه و اَران و آذربایجان» تحت یک سرزمین، اما جدا از هم مورد بررسی قرار داده اند.

برای تکمیل گزارش های اسلامی در مورد جغرافیای تاریخی اَران، شایسته است که از کتاب جامع الدول منجم باشی نیز یاد شود. منجم باشی، مؤلف کتاب جامع الدول، محدوده اَران را با دقت مشخص کرده است و طول و عرض جغرافیایی شهرها و نواحی آن را چنین ارائه نموده است: «اَران اقلیمی است مشهور، که در جانب جنوب به آذربایجان پیوسته است. حد آن در غرب به ارمینیه، در شرق و جنوب به آذربایجان، و در شمال به کوه های قفقاز منتهی می شود. شهرهای آن از این قرارند: نشوی که همان نخجوان است در اقلیم پنجم و طول آن ۷۸ و عرض آن ۴۴ درجه است. باب الایواب که آن را دروازه آهنین می خوانند شامل ناحیه ای وسیع است و حکامی مستقل، از آن خود دارد. طول آن ۷۸ و عرض آن ۴۸ درجه است.



گنجه در اقلیم پنجم، طول آن ۷۴ و عرض آن ۴۸ درجه است، و تفلیس و شمکور و بیلقان از شهرهای مشهور اَران است» (مینورسکی، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۲).

**اَران اقلیمی است مشهور،  
که در جانب جنوب  
به آذربایجان پیوسته است.  
حد آن در غرب به ارمینیه،  
در شرق و جنوب به آذربایجان،  
و در شمال به  
کوه های قفقاز  
منتهی می شود**

## اَران در تحقیقات جدید

تا اینجا مدار کی از جغرافی نگاران و مورخان باستان و نیز مورخان عهد اسلامی، پیرامون محدوده جغرافیایی اَران ارائه گردید. اکنون به گزارش ها و نوشته هایی چند، از مؤلفان قرون جدید به اختصار اشاره می شود:

در دایره المعارف اسلام، چاپ لیدن و همچنین، در دایره المعارف ایرانیکا ذیل نام اَران چنین آمده است: این نام

معمولاً در زمان اسلام برای ناحیه ای در قفقاز، بین رود کورا و ارس به کار می رفت. در زمان های پیش از اسلام نیز برای همه نواحی قفقاز شرقی (آذربایجان شوروی کنونی) یعنی آلبانیای باستان به کار می رفت (R. N. Frye, "ARRAN" Encyclopedia of Islam) و (C. E. Bosworth, "ARRAN" Encyclopedia of Iranica).

یوزف مارکوارت نیز می نویسد: «اَران شامل اراضی شروان، قبله، شکی و مغان بود و میان دو رود کُر و ارس قرار داشت. شهر بزرگ این سرزمین، پرتوه (بردعه) است.» (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۲۱-۲۲۶)

بنا به نوشته بارتولد، اَران همان آلبانیا است که از دربند تا تفلیس امتداد داشت و مرزهای

جنوبی و جنوب غربی آن به رود ارس منتهی می‌شد. وی در این باره چنین آورده است: «آلبانیا در روزگار باستان و نیز بعدها به هنگامی که اَران نام داشت به سراسر ناحیه‌ای اطلاق می‌شده که از دربند در شمال شرقی تا تفلیس در مغرب و تا ارس در جنوب و جنوب غربی گسترش داشته است.» (بارتولد، ۱۳۵۸: ۶۵)

گای لسترینج نیز در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، در فصل دوازدهم تحت عنوان «گیلان و ایالات شمال باختری» از موغان، اَران و شروان نام برده و در مورد اَران می‌نویسد: «ایالت اَران در مثلث بزرگی در مغرب ملتقای دو رود سیروس و اراکسس واقع است که اعراب آنها را گُر و ارس نامیدند. ... کرسی این



ایالت «اَران» در قرن چهارم بردعه بود که خرابه هایش تاکنون باقی است، بعدها بردعه را بردعه نوشتند.» (گای لسترینج، ۱۳۸۶: ۱۹۰)

**آلبانیا در روزگار باستان  
و نیز بعدها به هنگامی که اَران  
نام داشت به سراسر  
ناحیه‌ای اطلاق**

### نتیجه‌گیری

**می‌شده  
که از دربند در شمال شرقی  
تا تفلیس در مغرب  
و تا ارس  
در جنوب و  
جنوب غربی  
گسترش داشته است**

با توجه به اینکه، محدوده اَران در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است از نوشته‌های مؤلفان یونان و روم باستان چنین برمی‌آید که سرزمین آلبانیا در روزگار باستان، از جنوب به کرانه‌های رود کورا و گاه رود ارس، از غرب به رود آلازنی، از شمال به کوه‌های قفقاز از منطقه مسیر علیای رود آلازنی تا قلّه گوتون و از شرق

به دریای خزر تا منطقه دربند منتهی می‌شده است.

با نگاه اجمالی به نوشته‌های مؤلفان و جغرافی‌نگاران اسلامی نیز، آنها را براساس تلقی شان از محدوده اَران می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

**دسته اول:** این دسته، شامل منابعی که اَران را به عنوان بخشی از ارمنیه دانسته‌اند و بخشی از این منطقه به شمار آورده‌اند. ابن خردادبه، قدامه بن جعفر، یعقوبی، ابن فقیه، ابن سراجیون، ابن رُسته، ابوریحان بیرونی و یاقوت حموی در این دسته قرار دارند.

**دسته دوم:** این دسته، اَران را از محدوده ارمنیه جدا دانسته و به طور جداگانه درباره آن بحث

کرده اند. اصطخری، جیهانی، ابن حوقل، مؤلف ناشناخته حدود العالم، مقدسی، ادیسی (قرن ششم هجری)، قزوینی، ابوالفداء، حمدالله مستوفی، قلقشندی و حافظ ابرو چنین نظری دارند و آران را مستقل از ارمنیه دانسته و به صورت «ارمنیه و آران و آذربایجان» تحت یک سرزمین، اما جدا از هم مورد بررسی قرار داده اند.

تحقیقات جدید نیز محدوده آران را، که میان دو رود گر و ارس قرار داشت، جمهوری آذربایجان فعلی دانسته و شهرهای بردعه، باکو، شروان، گنجه و شکی را از ولایات این سرزمین می شمارند.

## پی نوشت

۱. آلان (آلانی) نام رودی است که از گرجستان و آلبانیای قفقاز (اران) می گذرد و به رود گر می پیوندد.
۲. دشت سرمت ها همان است که آلان ها و سرمت ها در آن مستقر بوده اند. این سرزمین همان است که اکنون بخشی از داغستان و اوستیا را شامل می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ابن حوقل، (۱۳۴۵) صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خردادبه، (۱۳۷۰) المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: ناشر مترجم.
- ابن خردادبه، (۱۸۸۹) المسالك و الممالک (متن عربی)، لیدن: مطبعة بریل.
- ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۶۵) اعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ابن سراجیون (سهراب)، (۱۳۷۶) عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- ابوالفداء، (۱۳۳۹) تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ادریسی، محمد بن عبدالله، (۱۳۸۸) ایران در کتاب نزهة المشتاق فی الاختراق و الافاق، ترجمه عبدالمحمد آیتی، زیر نظر حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران شناسی.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۷۳) ممالک و مسالک، ترجمه محمد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- بارتولد، واسیلی و لادیمیر پویچ، (۱۳۵۸) گزیده مقالات تحقیقی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بیرونی، محمد بن ابوریحان، (بی تا) صفة المعمورة علی البیرونی، التقطها کی ولیدی طوغان، دهلی: ناظم الاناشاء.
- جغرافیای تاریخی ایران در قرن نهم هجری (برگرفته از کتاب قلقلشدنی: صبح الاعشی فی صناعة الانشاء) (۱۳۸۴) ترجمه محبوب الزوبری، ج ۲، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی (انتشارات وزارت امور خارجه).
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، (۱۳۶۸) اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصور، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی، (۱۳۷۵) جغرافیای حافظ ابرو، ج ۲، مقدمه و تصحیح و تحقیق صادق سجادی، تهران: نشر میراث مکتوب و بنیان.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، (۱۳۶۲) به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری.
- حموی، شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت، (۱۳۷۴/هـ ۱۹۵۵ م) معجم البلدان، ج ۱، بیروت: دار بیروت.
- خورنی، موسی، (۱۹۸۴) تاریخ ارمنستان، ترجمه و مقدمه و تحشیه گنورگی نعلبندیان، بیرون: اداره نشریات دانشگاه بیرون.
- رازی، امین احمد، (۱۳۴۰) هفت اقلیم، ج ۳، تصحیح و تعلیق جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی و ادبیه.
- رضاء عنایت الله، (۱۳۳۲) آذربایجان و آران (البابای قفقاز)، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- رضاء عنایت الله، (۱۳۸۶) آران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، ج ۳، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی (انتشارات وزارت امور خارجه).
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، (۱۳۷۳) آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه با اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- لسترنیج، گای، (۱۳۸۶) جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، ج ۳، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مار کورات، یوزف، (۱۳۷۳) ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲) نزهة القلوب، به سعی و اهتمام گای لسترنیج، ج ۷، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۲۰۰۳) رحلة المقدسی (احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم)، حررها و قدم لها شاکر لعیبی، بی جا: ۲۰۰۳ م.
- مینورسکی، و، (۱۳۷۵) پژوهشهایی در تاریخ قفقاز، ترجمه محسن خادم، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (ابن فقیه)، (۱۳۴۹) ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح یعقوبی)، (۱۳۵۶) البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.